

به نام خدا

سپیده

زندگی و آثار سید رضا شاهمرادی

گردآوری و نگارش: هاشم فرسادی



۱۳۹۸

- سرشناسه : فرهادی، هاشم، ۱۳۶۷ -
- عنوان و نام پدیدآور : لیلاته: زندگی و آثار استاد محمدرضا شاهمرادی/نویسنده هاشم فرهادی.
- مشخصات نشر : بجنورد: دیروک، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری : ۱۷۶ص.
- شابک : ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۲-۱۶-۹۶۰۴-۲
- سبب فهرست : فپا
- نویسندگی : نویدی
- پادداشت : کتابنامه: ۲۲۴.
- عنوان دیگر : زندگی و آثار استاد محمدرضا شاهمرادی.
- موضوع : شاهمرادی، رضا، ۱۳۲۷ -
- موضوع : ترانه‌های کردی -- ایران -- خراسان
- موضوع : Songs, Kurdish-- Iran-- Khorasan (Province)
- موضوع : ترانه‌های کردی -- ایران -- خراسان -- متن‌ها
- موضوع : Songs, Kurdish-- Iran-- Khorasan (Province) -- Texts
- موضوع : ترانه‌های کردی -- ایران -- خراسان -- ترجمه شده به فارسی
- موضوع : Songs, Kurdish-- Iran-- Khorasan (Province) -- Translations into Persian
- رده بندی کنگره : ۳۲۵۶PIR
- رده بندی دیویی : ۹/۲۱۶۸
- شماره کتابشناسی : ۵۸۵۹۴۹۶

حق چاپ و نشر برای نویسنده محفوظ است



نشر دیروک

مدیر مسئول: هاشم فرهادی

تماس: ۰۹۱۵۹۸۳۸۸۰۷

عنوان: لیلانه (زندگی و آثار محمد رضا شاه مرادی)

نویسنده: هاشم فرهادی

اول

ناشر: دیروک

طراح جلد: صادق آدینه

تیراژ: ۱۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۱۶-۲-۴

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

فهرست

بخش اول

۱۳	مقدمه
۲۱	مصاحبه

بخش دوم: ترانه و آوازاها

۵۵	علی
۵۹	آهو
۶۰	ارمان ارمان
۶۲	اسمر
۶۵	بت تراش
۶۶	برفندیل
۶۸	بیا دختر

۶۹	بی دلی
۷۱	پروانه
۷۴	پیغام
۷۶	جبرانی
۷۸	چاو سه
۸۰	حاله دل
۸۲	خانجان
۸۴	خجه
۸۶	دختر بجنوردی
۸۸	دستمال شامی
۹۰	دلبر جانان
۹۱	دل نومید
۹۲	دوه دار
۹۴	زری لیلان
۹۷	زلیخا
۹۹	سرکانی
۱۰۱	سله
۱۰۴	شاره جان
۱۰۶	شوان

۱۰۹.....	صنم
۱۱۳.....	صنوبر
۱۱۴.....	کچک جان
۱۱۶.....	ک که گاهگولی
۱۱۸.....	ک ک و لاوک
۱۲۰.....	کنار چشه
۱۲۱.....	گلدسته
۱۲۳.....	گلنار
۱۲۵.....	گلی گلنار
۱۲۷.....	گوهر جان
۱۲۹.....	لاوک داگر
۱۳۵.....	لای لای
۱۳۹.....	لورک
۱۴۱.....	له یاره
۱۴۴.....	لیلا
۱۴۶.....	لیلانه
۱۴۸.....	لیلانه
۱۵۰.....	لیلی جان
۱۵۲.....	مالان بارکر

۱۵۵..... مریم جان فارسی

۱۵۶..... مریم جان کردی

۱۵۸..... مریم زراوه

۱۶۲..... نام مکه

۱۶۴..... سلطان

۱۶۶..... نسرين جان

۱۶۹..... ننه جان

۱۷۱..... وره ياره

www.ketab.ir

مقدمه

بخش بزرگی از گنجینه‌ی سی‌س منطقه‌ی خراسان، به ترانه و آوازهای استاد محمدرضا شاهمرادی تعلق دارد. در بین کردهای خراسان کمتر کسی پیدا می‌شود که نام شاهمرادی، یا ترانه‌های او را نشنیده باشد.

بخاطر دارم در زمان کودکی ام، هنگامیکه در تهران زندگی می‌کردیم، پدرم یکی از کاست‌های استاد را داشت که همیشه با او مسجرائی می‌کرد، از آن دوران که من پنج سال سن داشتم، ترانه‌های "گلنار" و "رفندیل" در ذهنم بیشتر ماندگار شد و هر زمان که به یاد آن دوران می‌افتم، ناخودآگاه این ترانه‌ها را بخاطر می‌آورم، صدای پدرم که با استاد همخوانی می‌کرد،

و آن ضبط صوت کوچک و نوری که از نورگیر می تابید. اینگونه صدای استاد به بخشی از کودکی من تبدیل و در ذهن من ماندگار شد.

در اریل دهه ی هفتاد سیل خواننده ها و ترانه های فارسی بین مردم کرمانج سوخ کرد، خوب بخاطر دارم که کاست های ارزشمند هنرمندانی چون سلطان رضا بخش، حمرا بخشی، شاهمرادی و... که گنجینه هایی برای ما بود، توسط جوانان پاک شده و ترانه های فارسی روی آنها ضبط می شد؛ تمام صداهای این بزرگان یک پس از دیگری نابود شد و جای آنها را ترانه هایی دیگر گرفت و این روند منتهی به فراوشی رفتند و بدین ترتیب بخش بزرگی از فرهنگ عامه ی منطقه، باست خود ما نابود شد.

در اواسط دهه ی هشتاد، به همت چند نفر از روستا دوباره قطعاتی از استاد شاهمرادی به همراه مصاحبه ای بخش شد که دوباره نام ایشان را زنده کرد، و من توانستم با آهنگ "شاه جان" و چند قطعه ی دیگر ارتداد برقرار کنم. دوباره مردم به سمت کاست های بخشی ها هجوم آورده بودند و در به در سراغ آن نوارها را می گرفتند، اما خبری از آنها نبود. من نیز مدتی بود که کار پژوهش را شروع کرده و از طرفی شیفته ی اجراهای این هنرمندان شده بودم؛ روستا به روستا گردش می کردم و از صندوقچه های قدیمی مردم،

نوارهای کاست را خریده یا به امانت می گرفتم، نوارهایی که بخاطر عدم استفاده و نگهداری نامناسب، کیفیت آنها پایین آمده و بعضا خراب شده بود. نوارها برای آنها قابل استفاده نبود و سالها بود که به گوشه ی انبار پرت شده بود، اما زنجیره من پرسان پرسان و به سختی این افراد را پیدا کرده و کاست ها را درخواست می کردم، بعضا ترجیح می دادند که کاست ها همچنان خاک بخورد تا اینکه مرا اختیار من بگذارند، البته عده ی زیادی بودند که با جان و دل همکاری کردند و من تمام نوارها را تبدیل کرده، به همراه لوح فشرده به آنها برگرداندم. آجای که به اوایل دهه ی هفتاد فکر می کردم که چه گنجینه هایی داشتیم و به دست خودمان همه را نابود کردیم.

اغراق نیست اگر بگویم که لذت دیدار با استاد شاهرادی، برای من کمتر از دیدار با اسطوره های بزرگ هنر ایران زمین بود، صدای شاهرادی بخشی از زندگی من بود، و چهار نسل از مردم کرمانج با صدای شاهرادی خاطره دارند و این ترانه ها بخشی از زندگی و خاطرات این مردم است.

من در عرصه ی هنری خیلی زود رشد کردم و توانستم با خیلی از بزرگان عرصه ی قلم و موسیقی خراسان، و البته بعدها بزرگان موسیقی ایران زمین، ارتباط برقرار کنم و پیش از اینکه خودم بتوانم به سمت این عزیزان بروم،

آثاری که چاپ کرده بودم در تمام خراسان و چه بسا خیلی از بخش های ایران پخش شده بود. یک روز توسط یکی از دوستانم، برای انجام مصاحبه به منزل یکی از خواننده های کرمانج شهر آشخانه رفتیم که البته ایشان من را نمی شناختند، و با افتخار از دوستی خود با استاد تعریف می کردند و در حین صحبت، کتابی را به من نشان داده، اظهار داشتند که استاد شاهمرادی این کتاب را با مضامین خودشان به من تقدیم کرده اند؛ من از این در پوست خود نمی گنجیدم و گامی مشاهده کردم که آن کتاب، رمان "قهرمانان" یا "سردار عیوض خان" بنده بود و من در آن زمان تنها بیست و شش سال داشتم و در همان روزها سومین رمان تاریخی من، "فرج الله خان بیچرانلو" به تازگی روانه ی بازار شده بود و در مدت یک هفته تمام هزار جلد آن به فروش رفته بود.

دیدار من با شاهمرادی حاصل شد، شاید بیش از صدای گیرایی که داشت شخصیت متواضع ایشان، من را مجذوب خود می کرد. مردی با سواد و با شخصیت، با چهره ای جذاب و قامتی افراشته و همیشه مرتب و اصلاح شده، به مانند ترانه هایش زلال و پاک و دلنواز، و اکنون چشم نواز، که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کرد. من در این سالها دیدارهای زیادی با

ایشان داشتم و در این دیدارها بیشتر سعی کردم که بشنوم، تا اینکه چیزی بگویم و حاصل آن شنیده های من، کتابیست که هم اکنون پیش روی شما قرار دارد.

خوبی رود و پیش از آنکه تصورش را بکنم، در کنار استاد نشستم و کارهای تعدادی از خوانندگان شرکت کننده در یک مسابقه خوانندگی را داوری کردیم و این یکی از بزرگترین افتخارات هنری بنده بود. در سالهای بعد اجراهایی را در استان مازندران دیدم که متأسفانه میسر نشد.

سومین ارتباط من با قطعات استاد شاهمرادی، زمانی بود که قصد نمودم تا از موسیقی منطقه کمی فراتر بروم و برای آموزش ردیف موسیقی ایرانی، به تهران برگشتم، و در هنگامیکه با تکنیک های ساز سازی موسیقی سنتی، و ردیف موسیقی ایران آشنا شدم، آنجا بود که به تکنیک صدای استاد پی بردم و متوجه شدم که پنجاه سال پیش از ما، شاهمرادی چه کرد و هر زمان که یکی از قطعات ایشان را برای اساتیدم پخش کردم، در حیرت فرو رفتند.

سبک و صدای استاد شاهمرادی نیاز به توضیح و تفسیر ندارد، همینکه این ترانه ها بعد از گذشت پنجاه سال، هنوز در یاد مردم زنده است و بر دل و

لبها زمزمه می شود، و هنوز پدران و پدربزرگ های ما با شنیدن این قطعات اشک از چشمانشان جاری می شود، خود همه چیز را آشکار می کند. اما بنده به عنوان پژوهشگر عرصه ی موسیقی، و اینکه خود سالهاست در این راه تالبت می کنم و موسیقی را بصورت حرفه ای فرا می گیرم، باید عنوان کنم که هرچه بیشتر می روم، بیشتر به تکنیک های موجود در این صدا پی برده و مذبذوب آن می شوم، صدایی که در حال حاضر ما حتی یک نمونه آن را در خراسان نداریم.

این کتاب را نمی توانم به عنوان زندگینامه ی شاهمرادی عرضه کنم، چرا که نگارش زندگینامه ی این استاد ریز، کتابی به بزرگی شخصیت و ترانه هایشان را می طلبد که البته نگارش آن را به رزائی دیگر موکول کردم. در این کتاب مختصری از زندگی هنری ایشان را نگاشته. تعدادی از قطعاتی را که اجرا نموده اند را در دسترس خوانندگان گرامس قرار داده ام، هرچند به روایت خود استاد، حدود صد و پنجاه آهنگ ضبط کرده اند. متأسفانه در دسترس ما نیست و من تنها حدود پنجاه قطعه را که در دسترس داشتیم، در این کتاب نگاشته و نقد و بررسی نمودم، تا هم به نوبه ی خود بخشی از

زحمات ایشان را جبران کرده باشم، هم این قطعات در چنین کتابی ثبت شده تا به فراموشی سپرده نشوند و البته که از سرقت هنری نیز مصون بمانند.

واژه های "لیلی"، "لیلان" و "لیلانه" در موسیقی کرمانجی خراسان، بیشتر در محاراهای عاشقانه بی دلی مورد استفاده قرار گرفته است، عاشقانه هایی که در آن، بین عاشق و معشوق جدایی افتاده است، و به دلیل اینکه بیشتر قطعات استاد شاه رازی چنین مضمون هایی دارد و این واژه بسیار استفاده شده، از این واژه برای عنوان کتاب استفاده نمودم.

سعی بر این شد تا در معرفی هر قطعه نام آهنگساز، ترانه سرا و لحن آن نیز نگاشته شود.

بنده این مجموعه را به پاس سالها فعالیت هنری، و خداهاتی که به موسیقی کرمانجی خراسان شده، به عنوان برگ سبزی تحفه و هدیه، با احترام تقدیم می کنم به استاد محمدرضا شاهمرادی که امیدوارم سایه رحمت ایشان همواره مستدام باشد.